

اعلامیه مطبوعاتی

به مناسبت سالگرد فروپاشی خلافت و در آستانه بازگشت آن، امت اسلامی را برای تسریع برپائی خلافت فرا می‌خوانیم!

(ترجمه)

از زمان فروپاشی خلافت در 28 رجب سال 1342 هجری برابر با 3 مارچ 1924 میلادی، امت اسلامی در گرداب مصیبت‌های متلاطم و شکست‌های پی در پی زندگی می‌کند؛ از تقسیم سرزمین‌هایش گرفته تا چپاول ثروت‌ها، کشتار فرزندان و حتی تسمخر مقدسات و هجوم بر شریعتش را تجربه می‌کند.

اما امروز خلافت نزدیک‌تر از هر وقت دیگری است تا پرچمش بار دیگر بر فراز سرزمین‌های اسلامی برافراشته شود. ما عملاً در لحظه‌ای به سر می‌بریم که شباهت بسیاری به شب تصمیم‌گیری اهل مدینه برای بیعت با رسول الله ﷺ به‌عنوان رهبر سیاسی و رئیس دولت‌شان دارد.

از صحابی بزرگوار، جابر بن عبدالله رضی الله عنه حدیثی روایت شده که احمد و بهقی در کتاب السنن آن را نقل کرده‌اند. این حدیث وضعیت مسلمانان مدینه را در شبی توصیف می‌کند که تصمیمی بزرگ و سرنوشت‌ساز گرفتند؛ تصمیمی که آنان را وارد صفحات زرین تاریخ اسلام کرد، او می‌فرماید:

«حتی لم یبق دار من دور الأنصار إلا وفيها رهط من المسلمین، یظهرون الإسلام، ثم ائتمروا جميعاً... فقلنا: حتی متى نترك رسول الله ﷺ یطرد فی جبال مكة ویخاف...»

ترجمه: تا آنجا که هیچ خانه‌ای از خانه‌های انصار باقی نماند؛ مگر اینکه گروهی از مسلمانان در آن بودند که اسلام خود را آشکار کرده بودند؛ سپس همگی گرد هم آمدند و مشورت کردند... و گفتیم تا چه زمانی رسول الله ﷺ را در کوه‌های مکه تنها رها کنیم؛ در حالی که او از امنیت محروم بوده و در حالت خوف به سر می‌برد؟

سپس او توضیح داد که چگونه انصار، در حالی که شامل هفتاد و سه مرد و دو زن بودند، برای بیعت با رسول الله ﷺ به عقبه آمدند و با ایشان بیعت جنگ بستند. سپس به ماجرای اشاره کرد که یکی از انصار، نگرانی‌هایی را که امروز نیز امت با آن دست به گریبان است، به روشنی بیان کرد. او گفت: «اسعد بن زراره، که کوچک‌ترین آن‌ها بود، دست رسول الله ﷺ را گرفت و گفت: آهسته‌تر، ای اهل یثرب! ما شتران خود را بی‌هدف به اینجا نراندیم؛ بلکه با آگاهی کامل آمدیم که او رسول الله است، اما بدانید که امروز پذیرفتن او به معنای جدا شدن از تمام قبایل عرب، کشته شدن برگزیدگان‌تان و گزیده شدن شما با شمشیرهاست. حال، اگر مردمی هستید که بر این سختی‌ها صبر می‌کنید، پاداش‌تان با الله سبحانه و تعالی خواهد بود و اگر از دل خود بیم دارید، این را آشکار کنید که نزد الله سبحانه و تعالی معذور باشید.» آن‌ها پاسخ دادند: «ای اسعد! دست از ما بردار، به الله سوگند، هرگز این بیعت را ترک نخواهیم کرد و هرگز از آن روی نخواهیم گرداند.» سپس با رسول الله ﷺ بیعت کردند، او از آن‌ها تعهد گرفت و شرط گذاشت و در مقابل وعده جنت را به آن‌ها داد.»

همچنین در سیره ابن هشام حدیث دیگری نقل شده است که ابن اسحاق آن را این‌گونه روایت می‌کند: عاصم بن عمر بن قتاده برایم حکایت کرد که: وقتی گروه انصار برای بیعت با رسول الله ﷺ گرد هم آمدند، عباس بن عباد بن نضله انصاری، از بنی سالم بن عوف، خطاب به آنان گفت: «ای جماعت خزرج! آیا می‌دانید که با این مرد بر چه چیزی بیعت می‌کنید؟» پاسخ دادند: «آری، می‌دانیم.» او گفت: «شما با او بر جنگ با سرخ‌پوستان و سیاه‌پوستان (تمام مردم) بیعت می‌کنید، اگر می‌پندارید که وقتی اموال‌تان در این مسیر آسیب دید و بزرگان شما کشته شدند، او را رها خواهید کرد، از همین حالا بگویید؛ زیرا به الله سبحانه و تعالی سوگند، اگر چنین کنید، این خیانت در دنیا و آخرت شما را رسوا خواهد کرد؛

اما اگر بر این باورید که به عهد خود وفا خواهید کرد و بر سختی اموال و کشته شدن بزرگان پایدار می‌مانید، پس دست او را بگیرید؛ زیرا به الله سبحانه و تعالی سوگند، این بهترین دنیا و آخرت است.» آنان گفتند: «ما او را می‌پذیریم؛ حتی اگر اموال مان آسیب ببیند و بزرگانمان کشته شوند. ای رسول الله، اگر ما به این عهد وفادار بمانیم، پاداش مان چیست؟» رسول الله ﷺ فرمودند: «بهشت.» پس گفتند: «دستت را بگشا.» آن حضرت دست‌شان را گشود و آنان با او بیعت کردند.

و این همان لحظه‌ای است که امروز امت اسلامی آن را تجربه می‌کند؛ لحظه‌ای که در حال تفکر و سنجش است، به خود می‌نگرد و توانایی‌هایش را ارزیابی می‌کند، سپس به جهان می‌نگرد و امکانات آن را می‌سنجد، او هم امید دارد و هم نگرانی و از خود می‌پرسد: آیا می‌تواند اسلام را به‌عنوان یک پروژه سیاسی اعلام کند، یا باید با غرب و اجیرانش همراهی کند؟

غرب و اجیرانش این امت را از فقر، محاصره و قتل می‌ترسانند! اما توده‌های امت به سرعت در میدان‌ها فریاد بازگشت اسلام را سر می‌دهند، آنان خواهان زندگی اسلامی هستند؛ اما در تصمیم‌گیری نهایی دچار تردید می‌شوند. این موضوع به‌وضوح در شام نمایان شد؛ پس از سقوط نظام جنایتکار بشار و فرار از او از دمشق، دیدیم که غرب، از همان لحظه اول با نگرانی از مردم شام پرسید و این سؤال را مکرر تکرار کرد: «آیا شریعت اسلامی را اجرا خواهید کرد؟ آیا خلافت را برپا خواهید کرد؟»

و مهم‌ترین نکته در این ماجرا این است که این موضوع تنها به اهل شام محدود نمی‌شود؛ بلکه امت اسلامی به‌طور کامل به اهل شام نگاه می‌کند، با آن‌ها هم‌فکری کرده و این مسائل را با آنان به بحث می‌گذارد، به‌طوری که فضای شبکات ارتباط جمعی به صورت زنده از بحث‌ها و گفتگوهای فرزندان امت در سراسر جهان پر شده است، در حالی که آن‌ها به دنبال پاسخ این پرسش‌های سرنوشت‌ساز هستند.

آیا امت، نه فقط اهل شام، تصمیم خواهد گرفت که اسلام را یاری و آن را اقامه کند، حتی با وجود "تحمل سختی‌های مالی و کشته شدن بزرگان؟" یا این مأموریت را به دور دیگری موکول خواهد کرد؟

از زمان بهار عربی، سپس عملیات طوفان الاقصی و سقوط ماشین کشتاری که بر اهل شام تحمیل شده بود، سختی‌ها یکی پس از دیگری در مسیر بازگشت خلافت برطرف شده است، پروژه‌های ملی‌گرایانه در دید امت از اعتبار افتاده و اینک اهل شام، پس از 60 سال حاکمیت سکولاریسم، از بازگشت اسلام به برنامه‌های درسی استقبال می‌کنند، با هر رخداد جدید، امت از افکار غرب فاصله گرفته و تلاش می‌کند تا هویت خود را از طریق اندیشه‌های اسلامی بازباید. هم‌چنین، در هر حادثه بزرگی که امت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مرزهای سایکس-پیکو متزلزل می‌شوند و ایده حذف مرزها برجسته می‌شود؛ موضوعی که به‌روشنی در جنگ غزه جشن‌های سقوط طاغوت شام و جشن‌های توقف تجاوز بر غزه نمایان شد.

دیگر از دشواری‌ها در مسیر بازگشت خلافت چیزی جز موانع کوچک باقی نمانده است. آگاهان از جوامع می‌دانند که میان ما و برپایی خلافت چیزی جز یک تصمیم فاصله نیست؛ تصمیمی که در یک لحظه گرفته می‌شود، شبیه به تصمیم انصار رضوان الله علیهم، هنگامی که پذیرفتند زندگی برای رضای الله باشد و مرگ برای دستیابی به جنت او، الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲) لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ [انعام: 162-163] ترجمه: بگو:

بگمان نمازم، عباداتم، زندگی‌ام و مرگم برای الله، پروردگار جهانیان است و به این امر شدم و من نخستین مسلمانم.

حزب التحریر دست یاری به سوی امت و تمام ارتش‌های آن دراز می‌کند تا با او برای برپایی خلافت راشده دوم بر اساس منهج نبوت همکاری کنند، چراکه تمام مقدمات لازم را برای آن فراهم کرده است؛ پس با ما همکاری کنید تا این سال آخرین سالی باشد که سالگرد فروپاشی خلافت را گرامی می‌داریم و از سال آینده، ان‌شاءالله هر سال سالگرد بازگشت آن را جشن بگیریم.

نویسنده: مهندس صلاح الدین عضاضه رئیس دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

نمبر صدور: 076/1446

28 رجب 1446 هـ.ق.

28 جنوری 2025 م.

مترجم: مصطفی اسلام